

باسمه تعالی

- جهت هشتم: امثال اجمالی ۱
- مقدمه: تبیین محل نزاع ۱
- اقوال در مسأله و ادله هر قول ۳
- وجه اول بر عدم کفایت امثال اجمالی: حکم عقل ۳
- اشکال اول: دلیل بر تقدّم عقلی نیست ۳
- اشکال دوم: نفس امر موجب انبعاث بر امثال تفصیلی نیست ۳
- وجه دوم: اجماع بر بطلان عمل بدون تقلید و اجتهاد ۴
- اشکال: صغرای اجماع، محرز نیست ۴

موضوع: حجج و امارات / قطع / امثال اجمالی

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل در مورد علم اجمالی که جهت هفتم از مباحث قطع بود، بحث شد. نتیجه این شد که علم اجمالی نسبت به مخالفت قطعی و احتمالی منجز بوده و این منجزیت به نحو اقتضائی است. در این جلسه جهت هشتم از مباحث قطع یعنی امثال اجمالی بررسی خواهد شد.

جهت هشتم: امثال اجمالی

امثال اجمالی یک تکلیف در مقابل امثال تفصیلی تکلیف است. گاهی معلوم است عمل انجام شده، مصداق مأموریه و واجب است، که به آن عمل امثال تفصیلی گفته می‌شود؛ و گاهی دو عمل انجام می‌شود که معلوم است یکی از آنها مصداق مأموریه و واجب است، که به آن عمل امثال اجمالی گفته می‌شود.

مقدمه: تبیین محل نزاع

امثال اجمالی گاهی همراه علم اجمالی است مانند اینکه مکلف علم اجمالی به وجوب نماز ظهر یا جمعه در روز جمعه دارد، که در این صورت ممکن است امثال تفصیلی کرده و با رجوع به مرجع تقلید، به همان وظیفه عمل نماید؛ و ممکن است امثال اجمالی کرده و هر دو نماز را بخواند؛ و گاهی امثال اجمالی نیز همراه علم اجمالی نیست مانند اینکه علم به نجاست یکی از دو لباس و طهارت دیگری دارد، که در این صورت ممکن است امثال تفصیلی کرده و یکی از دو لباس را تطهیر و با آن نماز بخواند؛ و ممکن است امثال اجمالی کرده و با هر لباس یک نماز بخواند. در این صورت علم اجمالی تکلیف فعلی ندارد؛ زیرا

تنها یک تکلیف وجود دارد که علم تفصیلی به آن دارد (یعنی وجوب نماز انحلال پیدا نکرده که با هر لباس یک نماز واجب باشد یا علم به وجوب نماز در این لباس یا آن لباس باشد). بنابراین امتثال اجمالی گاهی همراه علم اجمالی بوده، و گاهی همراه علم اجمالی نیست.

سوال این است که آیا مکلف می‌تواند به امتثال اجمالی اکتفاء نماید، و امتثال اجمالی مجزی است؟ البته در سه مورد از موارد امتثال اجمالی، اتفاق وجود دارد که امتثال اجمالی نیز کافی است:

الف. واجب توسلی: در واجبات توسلی نزاعی نیست که امتثال اجمالی نیز کافی است. به عنوان مثال وفای به نذر از واجبات توسلی است. فرض شود شخصی نذر کرده پولی را به عنوان هدیه به یک فقیر خاص بدهد، اما فراموش نموده آن فقیری که نذر نموده بود زید است یا عمرو است. فرض شود نذر خود را در دفتری یادداشت نموده و در آن دفتر نام فقیر را نیز نوشته است. در این صورت نیازی به امتثال تفصیلی و رجوع به دفتر نیست، بلکه می‌تواند آن مبلغ را هم به زید و هم به عمرو بدهد. اگر به هر دو همان مبلغ را بدهد، علم پیدا می‌کند که به نذرش عمل نموده است.

ب. واجب تعبّدی بدون قدرت بر امتثال تفصیلی: نزاعی وجود ندارد در کفایت امتثال اجمالی در مورد واجب تعبّدی که قدرت بر امتثال تفصیلی آن نیست. به عنوان مثال فرض شود زید به مکانی سفر نموده و نمی‌داند نمازش را باید به صورت قصر بخواند یا به صورت تمام، در حالیکه دسترسی به مجتهد (یا کسی که وظیفه چنین شخصی را بداند) نیز ندارد (و یا فرض شود زید مجتهدی است که دسترسی به ادله ندارد). در این صورت نیز امتثال اجمالی به این صورت که دو نماز بخواند، کافی است.

ج. عدم تکرار عمل: اگر امتثال اجمالی موجب تکرار عمل نشود نیز اتفاق وجود دارد که امتثال اجمالی کافی است. به عنوان مثال زید نمی‌داند در نماز باید سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یا یک مرتبه، اما علم به جواز سه مرتبه گفتن دارد. در این صورت نیز امتثال اجمالی کافی است به این نحوه که یک نماز با سه تسبیحات اربعه بخواند. در این صورت نیز امتثال اجمالی شده است؛ زیرا نمی‌داند تحقق امتثال تکلیف با اولین تسبیحات اربعه است یا با سومین تسبیحات اربعه است، اما می‌داند بعد از سه بار قطعاً امتثال تکلیف محقق شده است.

بنابراین در این سه فرض اختلاف و نزاعی نبوده و امتثال اجمالی کفایت می‌کند، لذا این سه فرض از محل بحث خارج است. در نتیجه بحث در جایی است که اولاً واجب تعبّدی بوده، و ثانیاً قدرت بر امتثال تفصیلی وجود داشته، و ثالثاً عمل تکرار شود. سوال این است که آیا در این موارد هم امتثال اجمالی کافی است؟ به عنوان مثال اگر زید علم اجمالی به وجوب نماز ظهر یا جمعه داشته باشد، و دسترسی به مجتهد هم داشته باشد، می‌تواند هم نماز ظهر و هم جمعه را بخواند و به مجتهد رجوع نکند؟ و یا در مثال علم به طهارت یک لباس و نجاست دیگری، آیا می‌تواند با هر لباس یک نماز بخواند (نه اینکه یک نماز با یکی از لباس‌ها که تطهیرش کرده بخواند)؟ و یا در مثال قصر و تمام، می‌تواند دو نماز بخواند؟

اقوال در مسأله و ادله هر قول

در نظر مشهور امتثال اجمالی نیز کافی است، لذا مکلف مخیر بین امتثال تفصیلی و اجمالی است؛ اما در نظر برخی مانند میرزای نائینی باید امتثال تفصیلی شود. برای اثبات عدم کفایت امتثال اجمالی وجوهی بیان شده، که توسط مشهور مورد خدشه واقع شده‌اند (در ضمن این خدشه‌ها، وجه مشهور برای اثبات کفایت امتثال اجمالی نیز معلوم خواهد شد):

وجه اول بر عدم کفایت امتثال اجمالی: حکم عقل

مکلف در امتثال اجمالی منبعث از احتمال امر است. یعنی داعی وی بر اتیان نماز دو رکعتی «احتمال امر به نماز دو رکعتی» بوده، و داعی وی بر اتیان نماز تمام نیز «احتمال امر به نماز تمام» است. لذا داعی مکلف در امتثال اجمالی، خود امر نیست بلکه احتمال امر است؛ اما در امتثال تفصیلی داعی مکلف بر اتیان عمل «نفس امر» است. با توجه به این مقدمه، در نظر عقل امتثالی که داعی در آن خود امر باشد، مقدم است بر امتثالی که داعی در آن احتمال امر باشد. به عبارت دیگر عقل حکم به عدم تحقق امتثال می‌کند در مورد کسی که متمکن از خود امر باشد، اما به داعی احتمال امر عملی را انجام دهد.

اشکال اول: دلیل بر تقدّم عقلی نیست

این استدلال تنها یک ادعا بوده، و دلیلی ذکر نشده که چرا عقل امتثال خود امر را مقدم بر امتثال احتمال امر می‌داند. به عبارت دیگر دلیلی ذکر نشده که چرا عقل امتثال اجمالی را امتثال تکلیف نمی‌داند. به نظر می‌رسد در نظر عقل تفاوتی نیست که منشأ امتثال خود امر باشد یا احتمال امر باشد. بنابراین چه منشأ خود امر و چه احتمال امر باشد، در هر صورت امتثال محقق شد است.

اشکال دوم: نفس امر موجب انبعاث بر امتثال تفصیلی نیست

اشکال دیگر این است که مطلبی که در استدلال بیان شده، از اساس صحیح نیست؛ زیرا انبعاث مکلف بر اتیان امتثال تفصیلی نیز از نفس امر نیست. توضیح اینکه در افق نفس انسان، امور خارجی دخالتی ندارند. به عنوان مثال ترس از عقرب به دلیل وجود خارجی عقرب نیست. اگر اعتقاد به وجود عقرب باشد، ترس محقق خواهد شد هرچند عقربی در خارج نباشد؛ و اگر اعتقاد به عدم وجود عقرب باشد، ترسی محقق نخواهد شد هرچند در خارج عقرب باشد. بنابراین تأثیر و تأثری از عالم خارج در نفس به وجود نمی‌آید. البته گاهی خارج علت معده برای تأثیری در افق نفس می‌شود مانند اینکه وجود خارجی گرگ، علت معده برای اعتقاد به وجود گرگ و ترس از آن شود.

در محلّ بحث نیز «نفس امر» که امری خارجی است، موجب انبعاث مکلف نیست؛ بلکه اعتقاد به وجود امر موجب انبعاث مکلف است. یعنی اعتقاد به وجود امر در افق نفس، موجب انبعاث مکلف است خواه در مرحله احتمال باشد و یا در مرحله بالاتر (یعنی مرحله علم) باشد.

وجه دوم: اجماع بر بطلان عمل بدون تقلید و اجتهاد

دلیل دیگر بر عدم کفایت امتثال اجمالی این است که ادّعی اجماع بر بطلان عمل مکلفی شده است که بدون تقلید و اجتهاد باشد. یعنی اگر مکلف عملی انجام دهد که از روی تقلید یا اجتهاد نباشد، آن عمل باطل است (مگر در جایی که تقلید یا اجتهاد ممکن نباشد). بنابراین در محلّ بحث نیز فرض شده که زید مجتهد نیست و تمکّن از رجوع به مجتهد هم دارد، اما نماز ظهور و جمعه را معاً خوانده است. در این صورت عمل وی بدون اجتهاد یا تقلید بوده، لذا باطل است. در نتیجه امتثال اجمالی کافی نخواهد بود.

اشکال: صغرای اجماع، محرز نیست

به نظر می‌رسد این استدلال صحیح نیست؛ زیرا اجماعی که تا حدودی مورد توجه است، اجماع بین قدمای امامیه است. یعنی اگر قدمای امامیه بر بطلان چنین عملی اجماع داشته باشند، برای انسان علم به بطلان آن حاصل می‌شود؛ اما تحقق چنین اجماعی محلّ تردید است، زیرا بحث از امتثال تفصیلی یا اجمالی اصلاً بین قدماء مطرح نبوده است. بنابراین قدمای امامیه نظری در مورد امتثال اجمالی نداشته‌اند تا اجماعی در کار باشد. در نتیجه صغرای اجماع، محقق نشده است.